

متن پرسش

با عرض سلام و آرزوی قبولی طاعات. بعضی از دعاها هستند که یک جهت گیری خاص احساسی دارند. یعنی شخصی که آن دعا را می خواند دارای یک حالت خاص است(یا باید باشد) مثلاً در دعایی می آید اللهم فارحم عبدک الجاهل. یا مثلاً در دعایی می گوئیم: فلک اسئل و بک ابتهل(با حال زاری و اضطراب تو را می خوانم) اما ممکن است، شخص مؤمن، به خاطر عدم معرفت و شناخت یا هر چیز دیگر، آن حالت را نداشته باشد. مثلاً احساس جهل نکند. هرچند درواقع جاهل است. ممکن است خودش هم معترف به جهلش باشد، اما این اعتراف در قلب او رسوخ نکرده است تا برای رفع آن جهالت خدا را بخواند. یا مثلاً شخص، حالت اضطراب ندارد. مضطر نیست. اما دعا طوری است که برای مضطربان است. حال سؤال این است که در چنین حالتی، انسان باید چه کند؟ ابتدا به کسب معرفت بپردازد تا مثلاً جهل خود را کاملاً احساس کند یا مثلاً به حالت اضطراب برسد؟ و بعد به سراغ این دسته از دعاها برود؟ و یا آن که ابتدا شروع به خواندن دعا کند و دعا را ترک نکند؟ چیزی که به نظر خودم می آید این است که خواندن این دعاها، خودش به انسان معرفت می دهد و باعث می شود که خداوند خودش کم کم مؤلفه های دینی را در قلب انسان جاری کند. و از طرفی درصورت درپیش گرفتن رویه ی فوق(ترک دعا و کسب معرفت) انسان از فیض دعا محروم می شود. که این خودش آثار تربیتی سوءی را ممکن است دربرداشته باشد. می خواستم نظر شما را بدانم. همچنین اگر ممکن است نظرتان را درباره ی مطلب آخر بیان کنید. با عرض معذرت از طولانی شدن سؤال التماس دعا از همه ی مؤمنین و مؤمنات

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده کاملاً با نظر شما موافقم که استمرار بر دعا به خودی خود چشمه‌های باطنی ما را نسبت به انس با ملکوت دعا می‌گشاید و حقیقتاً این ادعیه روح انسان را متعادل می‌کند تا کاستی‌هایش برطرف شود. چاره‌ی کار، ترک دعا نیست، استمرار بر آن است تا راه اُنس بیشتر با مضامین دعا گشوده شود. موفق باشید